

شناسایی و اولویت بندی راهکارهای ارتقای سواد مالی در بازار سرمایه ایران

حامد تاجمیر ریاحی^۱ | سودابه هدایت زاده^۲

چکیده

امروزه بازارهای مالی اهمیت زیادی پیدا کرده اند و اغلب افراد در این بازارها به دنبال فرصت های جدید برای سرمایه گذاری و افزایش ارزش دارایی های خود هستند. برای دسترسی به این بازارهای مالی و استفاده از فرصت های موجود برای سرمایه گذاری و مشارکت در این بازارها، به سطحی از سواد مالی نیاز است. هدف اصلی این پژوهش شناسایی و اولویت بندی راهکارهای ارتقا سواد مالی در بازار سرمایه ایران است. جامعه آماری پژوهش خیرگان و صاحب نظران و فعالان حوزه بازار سرمایه هستند. به منظور توصیف یافته ها، از جداول و نمودارهای فراوانی استفاده شد. ضمن این که به منظور توصیف بهتر داده ها از شاخص های مرکزی و همچنین شاخص های پراکندگی بهره گرفته شد. جهت آزمون فرضیه ها از تحلیل عاملی و آزمون های تی استودنت و فریدمن استفاده شده است. مهمترین نتایج به دست آمده در این پژوهش نشان می دهد سه متغیر تغییر نگرش مالی، تغییر رفتار مالی و ارتقای دانش مالی به ترتیب دارای میانگین رتبه بیشتری هستند و به عنوان مهمترین راهکارهای ارتقا سواد مالی در بازار سرمایه هستند.

کلیدواژه ها: سواد مالی، بازار سرمایه، مدیریت دانش، مالی رفتاری.

۱

سال چهارم
بهار ۱۴۰۲

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۱/۰۹/۲۱

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۱/۱۲/۲۳

صص: ۸۵-۶۱



مقدمه

هر چند سرمایه گذاری در بورس با خرید یک ورقه بهادار آغاز می شود اما خرید این دارایی مالی، نیازمند بررسی و تحلیل دقیق از وضعیت حال و آینده آن است. تجربه نشان می دهد افرادی که با حدس و گمان سرمایه گذاری می کنند، منفعت بسیار کمی می برند (عسگرزاده و قانع، ۱۴۰۰). سواد مالی دارای چهار بعد دانش، نگرش، تمایل و رفتار می باشد که همه ی آنان اثر مستقیمی بر سرمایه گذاری افراد در بورس اوراق بهادار دارند. بنابراین فقر سواد مالی، به واسطه اتخاذ تصمیمات مالی نادرست بر زندگی فرد، خانواده، دوستان و حتی شریک کاری تاثیر سوء داشته و می تواند رفاه مالی در سطح جامعه را به میزان چشمگیری کاهش دهد. به همین دلیل است که به ویژه در کشورهای توسعه یافته، ارتقا سطح سواد مالی جامعه از طریق آموزش های مختلف مورد توجه قرار گرفته است (سابعی و همکاران ۱۳۹۹). زیرا سواد مالی بالا در سطح جامعه، «نابرابری ها» و «تاثیر مستقیم سطح درآمد بر میزان پیشرفت مالی» را کاهش می دهد. تحقیقاتی که در زمینه سواد مالی و تاثیر آن بر زندگی مالی فرد انجام شده است، ثابت کرده اند تفاوت های کوچک در دانش مالی می تواند تفاوت چشمگیری بر ثروت افراد داشته باشد (تفتیان و شفیع، ۱۴۰۰). واقعیت این است که اهمیت یافتن سواد مالی به رشد و توسعه بخش مالی اقتصاد مربوط است و از این رو نگاهی کوتاه به علل توسعه بخش های مالی برای درک اهمیت موضوع سواد مالی موثر خواهد بود. کاهش درآمدهای قابل تصرف نیروی کار، مسلط شدن سازوکار بازار بر تقریباً همه مایحتاج خانوارها و کسب و کارها و تبدیل به کالا شدن (کالاسازی) بسیاری از خدمات، از نتایج اقتصاد پس از دهه ۱۹۷۰ بود و این مساله تا جایی پیش رفت که برای انتخاب برنامه های بازنشستگی نیز نیاز به درک برخی رویه های مالی و اقتصادی بود (تانگ و باکر^۱، ۲۰۱۶). از سویی اولین مساله پیش روی در ارتقا سواد مالی، توهم دانش یا عدم آگاهی سرمایه گذاران نسبت به سطح سواد مالی خود است. معمولاً افراد در این حوزه نیز دچار تورش بیش اطمینانی هستند و چنانچه از آن ها درخواست کنید که سطح سواد مالی خود را ارزیابی کنند، بسیاری آن را حداقل کافی ارزیابی خواهند نمود (عبدالرحیمیان و بهاری مقدم، ۱۳۹۷). فلذا زمانی سرمایه گذار جهت ارتقای سطح سواد مالی خود گام بر خواهد داشت که احساس نیاز در وی

1. Tang, N., & Baker

ایجاد شود. عدم آگاهی نسبت به سطح سواد مالی و تصور بر اینکه دانش کافی در اختیار فرد قرار دارد، مانعی است بر سر راه ارتقای سطح سواد مالی، در صورت عدم درک این نکته، نوعی حالت تدافعی نسبت به برنامه های آموزشی نیز پیش خواهد آمد (عبدالرحیمیان و بهاری مقدم، ۱۳۹۷). دومین مساله پیش روی سواد مالی، توهم تجربه است، یعنی افراد فکر می کنند که چون تجربه سرمایه گذاری دارند، اشتباه نخواهند کرد. علی رغم اینکه تجربه می تواند یکی از فاکتورهای سواد نیز در نظر گرفته شود اما ضمانتی بر این نیست که فرد صاحب تجربه، سواد مالی بالایی نیز داشته باشد. همچون چالش قبلی، نوع رفتار تدافعی در عدم پذیرش فقدان سواد مالی لازم میان سرمایه گذاران با تجربه نیز وجود دارد. سومین مساله پیش روی سواد مالی عدم درک اهمیت سواد مالی در میان مسئولان است (عبدالرحیمیان و بهاری مقدم، ۱۳۹۷). لذا تورش های رفتاری از عوامل تاثیر گذار در ارتقا سواد مالی می باشد که در تصمیم گیری افراد اثرگذارند مبحثی کلان است و اهمیت بسیاری دارد، چرا که اگر بخواهیم سواد مالی در تصمیم گیری های افراد موثر واقع شود و رفتار سرمایه گذار دست خوش تغییر قرار گیرد، باید نسبت به تورش های رفتاری حساسیت به وجود آید. یعنی سرمایه گذار ضمن آشنایی با تورش های مختلف، همواره تلاش کند تا دچار چنین تورش هایی نشود. باید خاطر نشان کرد که فضای تصمیم گیری در بازار سرمایه در دیگر بازارهای مالی متفاوت است. تصمیم گیری در بازار سرمایه نیازمند سرعت در اخذ تصمیم است و همواره نوعی پذیرش ریسک در تصمیمات سرمایه گذاری مشاهده می شود (شعبانی و جعفری سرشت، ۱۳۹۴). به این ترتیب با افزایش سطح سواد مالی و اقتصادی جامعه، سرمایه گذاران خرد آموزش دیده با دیدگاه یک شغل، در بازارهای مالی فعالیت خواهند نمود و کیفیت زندگی فعالان بازار سرمایه به سمت توسعه و بهبود پیش خواهد رفت و نوید بخش رفاه و آسایش برای جامعه خواهد بود (میرمحمدی و شاکریان، ۱۳۹۸).

بنابراین با توجه به مطالب ذکر شده دغدغه محقق پاسخ به این سوال است که راهکارهای ارتقا سواد مالی در بازار سرمایه جمهوری اسلامی ایران کدامند؟ اولویت بندی راهکارها به چه صورت است؟ برای پاسخگویی به این سوالات پس از جمع آوری ادبیات موضوع معیارهای مختلف سواد مالی براساس ادبیات موضوع استخراج شد و در ادامه براساس تحلیل خبرگانی به دسته بندی

معیارهای موثر بر ارتقای سواد مالی پرداخته شد و در نهایت به تحلیل و تفسیر نتایج بدست آمده پرداخته شده است.

پیشینه پژوهش

از تحقیقات داخلی و خارجی نزدیک به موضوع پژوهش می توان به موارد زیر اشاره نمود: عسگرزاده و قانع (۱۴۰۰)، به بررسی «سواد مالی و تاثیر آن بر تصمیم سرمایه گذاری در اوراق بهادار» پرداختند. نتایج نشان می دهد افرادی که با حدس و گمان سرمایه گذاری می کنند، منفعت بسیار کمی می برند. افزایش سطح سواد مالی که ارتباط مستقیمی با نوع جنسیت، وضعیت رفاه خانواده، ریسک پذیری، سطح تحصیلات و میزان شرکت در کلاس های آموزشی دارد.

سابعی و همکاران (۱۳۹۹)، به «بررسی تاثیر هوش مالی و سواد اطلاعاتی بر عملکرد حسابرسان در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران» پرداختند و یافته های پژوهش حاکی از آن بود که سطح هوش مالی حدود ۸/۶۹٪، میزان سواد اطلاعاتی تقریباً ۰/۶۵ و عملکرد حسابرس ۲/۷۲٪ بود. نتایج پژوهش با استفاده از معادلات ساختاری از طریق نرم افزار PLS نشان داد که هوش مالی به طور مستقیم به میزان ۷۴٪ بر عملکرد حسابرس تاثیر گذاشت و سواد اطلاعاتی به میزان ۲۴٪ متغیر عملکرد حسابرس را تبیین نمود.

زند (۱۳۹۹)، به «بررسی تأثیر سواد مالی بر بازده پرتفوی سرمایه گذاران حقیقی» پرداخت که نتایج بدست آمده نشان داد که ابعاد سواد مالی یعنی سواد بازاری-حسابداری و سواد اقتصادی و در مجموع سواد مالی تأثیر معناداری در سطح ۹۵٪ بر بازدهی پرتفوی سرمایه گذاری سرمایه گذاران حقیقی دارند.

میرمحمدی و شاکریان (۱۳۹۸)، به بررسی نقش سواد مالی و دانش مالی در تصمیم گیری سرمایه گذاران جهت سرمایه گذاری پرداختند و نتایج حاصل از پژوهش نشان می دهد سواد مالی، دانش مالی و نیز ریسک ادراک شده بر تصمیم گیری جهت سرمایه گذاری تأثیری معنادار داشته و ریسک ادراک شده رابطه بین دانش مالی و تصمیم به سرمایه گذاری را به شکلی منفی تعدیل نموده و این در حالی است که در رابطه بین سواد مالی و تصمیم به سرمایه گذاری را تعدیل نمی نماید.

رسولی و همت فر (۱۳۹۸)، به بررسی تاثیر سواد مالی، نگرش نسبت به ریسک و انگیزه پس انداز در کاهش ضعف سرمایه گذاران در صندوق های سرمایه گذاری پرداختند. نتایج حاصل از پژوهش حاکی این است که ضریب متغیر دانش فنی مالی در مدل های اول و دوم فروش، در سطح اطمینان ۹۵٪ معنادارند و در دو مدل اول و دوم، تایید می شود. ضریب متغیر دانش صندوق سرمایه گذاری نیز در مدل های دوم و سوم، معنادار است و در مدل های دوم و سوم، قابل تایید است. عبدالرحیمیان و بهاری مقدم (۱۳۹۷)، به بررسی سواد مالی و رویکردهای ارتقا آن برای سرمایه گذاران در بازارهای مالی پرداختند. یافته ها نشان می دهند که پیشرفت مالی نه تنها به نفع افرادی است که در حال حاضر در بازارهای مالی حضور دارند، بلکه این امکان را برای سرمایه گذاران دیگر فراهم می کند که از فرصت های سرمایه گذاری جدید بهره برند و از بهبود در ابزارهای مالی منتفع شوند.

هانکوک و همکاران در سال (۲۰۲۰)، به بررسی تاثیر هوش هیجانی بر تصمیمات سرمایه گذاری با در نظر گرفتن نقش میانجی سواد مالی و تحمل ریسک سرمایه گذاران فعال در بازار سرمایه اروپا پرداختند. نتایج حاصل از آزمون فرضیات اول، چهارم و پنجم نشان می دهد که هوش هیجانی، سواد مالی و تحمل ریسک سرمایه گذاران بر تصمیمات سرمایه گذاری آنان تاثیر معنی داری دارد. همچنین نتایج آزمون فرضیات دوم و سوم نشان می دهد که هوش هیجانی بر سواد مالی و تحمل ریسک افراد تاثیر معنی داری می گذارد.

ریتسالو و موراکاس در سال (۲۰۱۸) به بررسی تاثیر سواد مالی بر میزان مشارکت سرمایه گذاری در شرکت های بورس اوراق کاناادا پرداختند. نتایج آزمون فرضیات تحقیق نشان داد که میزان سواد مالی بر میزان مشارکت تاثیر معناداری دارد. همچنین نتایج آزمون خی دو نشان داد که منابع اطلاعاتی و دسته بندی اطلاعاتی تاثیر معناداری بر میزان مشارکت شرکت ها دارند اما ثروت خانوادگی و نگرش نسبت به خطرپذیری تاثیر معناداری بر میزان مشارکت ندارند.

هسیو و تسای^۱ در سال (۲۰۱۸)، به بررسی سواد مالی و مشارکت در بازارهای مشتقات پرداختند. نتایج تجربی نشان می دهد که حتی پس از کنترل نرخ مشارکت در بازار سهام، سواد مالی مزایای قابل توجهی برای افراد دارد؛ زیرا این امر به آنها کمک می کند که موانع ورود به

1. Hsiao & Tsai

خرید پیچیده را کاهش دهند محصولات مشتق شده. همچنین نشان داده شد که ثروت خانوار، جنسیت، محل سکونت و منابع مختلف اطلاعات تاثیرات مهمی در نرخ مشارکت در بازار مشتقات دارند. علاوه بر این، با توجه به مسائل مربوط به دسترسی و یا خطای اندازه گیری، اثرات مثبت سواد مالی بر مشارکت بازار مشتقات، عمدتاً بدون تغییر باقی می ماند.

تحقیق حاضر از جنبه قلمرو مکانی و موضوع تحقیق که تمرکز بر راهکارهای ارتقای سواد مالی است و همچنین نوع روش تحقیق برای پاسخگویی به سوالات تحقیق می تواند از تحقیقات گذشته متمایز و بدیع باشد.

ادبیات پژوهش

سواد مالی و انواع آن

تعریف های زیادی از سواد مالی بیان شده است و بر همین اساس هر کشوری که در خصوص سواد مالی کاری صورت داده است، تعریف به خصوصی از آن ارائه نموده است. برخی سواد مالی را قضاوت و تصمیم گیری در خصوص مسائل مالی دانسته اند و برخی آن را توانایی ادراک مفاهیم مالی برشمرده اند. اما شاید بهترین تعریف از سواد مالی را سازمان همکاری و توسعه اقتصادی در سال ۲۰۰۳ ارائه نموده و آن را در سال های ۲۰۰۵ و ۲۰۱۲ اصلاح کرده است. بر اساس این تعریف، سواد مالی عبارت است از "دانش و درک مفاهیم و ریسک های مالی، مهارت، انگیزه و اعتماد به نفس استفاده از این دانش و ادراک به منظور ارتقای سطح رفاه فردی و اجتماعی و مشارکت فرد در سطح اقتصادی" نکته قابل تامل، افزودن کلمه ریسک های مالی است که در سال ۲۰۱۲ تعریف اضافه شده است و نشأت گرفته از بحران های ۲۰۰۷-۲۰۰۹ است (زندگی، ۱۳۹۹). اما پیش از پرداختن به اهمیت سواد مالی و دلایل آن، ذکر تاریخچه ای مختصر از به وجود آمدن این مفهوم مناسب است. شکل گیری مفهوم سواد مالی را به قانون اسمیل لور ۲ مصوب سال ۱۹۱۴ در آمریکا نسبت می دهند. این قانون با هدف ارتقای مهارت های افراد و خانوارها تصویب شده که یکی از این مهارت ها سواد مالی است که در این قانون از آن به عنوان

1. OECD
2. Smith-Lever

مهارت های مالی یاد شده است. اما دهه ۱۹۹۰ و به خصوص سال ۱۹۹۸، زمانی است که مفهوم سواد مالی در بازارهای مالی متولد می شود. آزادسازی بازارهای مالی و همچنین نوآوری و تنوع در محصولات مالی، پیچیدگی در ابزارهای متنوع، و متعاقبا بروز بحران های مکرر موجب شکل گیری مفهوم سواد مالی شده است. علی رغم فعالیت های پراکنده ای که برخی از کشورها در خصوص سواد مالی تا آن زمان انجام داده بودند سال ۲۰۰۳ اولین سالی است که یک نهاد بین المللی پا به عرضه سواد مالی گذاشته است. سازمان همکاری های تجاری و اقتصادی کار خود را با پروژه ای به نام پروژه آموزش مالی در سال ۲۰۰۳ آغاز نمود. اولین گزارش این سازمان، در سال ۲۰۰۵ با نام «بهبود یا ارتقای سواد مالی: تحلیل مسائل و سیاست ها» منتشر شد و روند فعالیت های آن تا کنون نیز همچنان ادامه دارد اما اقدامات این نهاد اولین گام جهت متواتر شدن مفهوم سواد مالی در میان دیگر نهادهای بین المللی و دولت ها است. در کنار تمام اقدامات صورت گرفته، نقطه عطف شناسایی و متواتر شدن مفهوم سواد مالی، بحران سال های ۲۰۰۷-۲۰۰۹ است. به طوری که گزارش کنگره ایالات متحده در سال ۲۰۰۹ نیز یکی از مقصران بحران مالی را پایین بودن سطح سواد مالی عموم مردم بر می شمرد (یگانه و همکاران، ۱۳۹۸).

بر همین اساس، در قانون داد-فرانک که بزرگترین قانون مالی آمریکاست (حدودا ۸۵۰ صفحه می باشد)، کمیسیون بورس و اوراق بهادار آمریکا^۱ به همراه کتابخانه کنگره آمریکا موظف شدند تا طی تحقیقی، گزارشی از وضعیت سطح سواد مالی سرمایه گذاران خرد به کنگره ارائه دهند گزارشی که در سال ۲۰۱۲ منتشر شد، از فقدان سواد مالی سرمایه گذاران خرد حتی در مفاهیم ابتدایی مالی حکایت داشت. از بحران مالی اخیر به بعد است که تحقیقات گسترده ای در خصوص سنجش سواد مالی صورت گرفته و بسیاری از کشورها در پی ارتقای آن هستند (فسلر^۲ و همکاران، ۲۰۲۰). از جانی یکی از وظایف نهادهای ناظر و اجرایی بازار سرمایه در دنیا، حمایت از سرمایه گذاران و به طور کلی، طرفین هر معامله است. این حمایت به معنی انتظار سوددهی و افزایش بازدهی نیست بلکه به این مفهوم است که در یک فضای عادلانه، طرفین معامله به حقوق خود آشنا باشند و این حقوق رعایت شود. البته این موضوع محقق نمی شود مگر با توسعه و ارتقای سطح سواد مالی. همچنین سواد مالی را می توان "دانش و درک مفاهیم و ریسک های

1. SEC
2. Fessler

مالی، مهارت، انگیزه و اعتماد به نفس استفاده از این دانش و ادراک به منظور ارتقای سطح رفاه فردی و اجتماعی و مشارکت فرد در سطح اقتصادی^۱ تعریف کرد (شمس زاده و فراهانی، ۱۳۹۴).

ویژگی های سواد مالی

با توجه به تعاریف بسیاری که در خصوص سواد مالی اشاره شد، همگی بر توانایی درک و استفاده موثر از مهارت‌های مختلف مالی از جمله مدیریت مالی شخصی، بودجه‌بندی و سرمایه‌گذاری تأکید دارند. به زبان ساده سواد مالی پایه و اساس رابطه فرد با پول است. با این توصیف متوجه می‌شویم؛ مفهوم سرمایه‌گذاری و مدیریت مالی تنها به بازار سرمایه محدود نمی‌شود. بلکه بازارهای دیگری نظیر بازار پول، بیمه، بازار مسکن و... نیز در آن جایگاه ویژه ای دارند. حتی توفیق در سرمایه‌گذاری در هر بازاری را می‌توان با شاخص سطح سواد مالی مرتبط ساخت. ارتقای سطح سواد مالی از دیدگاه کلان بر دوش نهادهای دولتی نظیر وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، علوم، اقتصاد و سایر دستگاه‌های دولتی نظیر بانک مرکزی و بیمه مرکزی است. در خصوص بازار سرمایه این مهم می‌تواند در سازمان بورس و اوراق بهادار و شرکت‌های وابسته به آن (نظیر شرکت اطلاع‌رسانی و خدمات بورس) و بورس‌های اوراق بهادار و کالایی با توجه به رهنمودهای آیسکو، اس.ای.سی. تعریف شود (باجاج و کاپور^۱، ۲۰۲۱). اکنون آیسکو مفهوم جدیدی تحت عنوان شمولیت یا همه‌گیری مالی را مطرح کرد که این موضوع صرفاً با تولید محتواهای متنوع آموزشی محقق نمی‌شود، بلکه نقش ترویج آموزش را نیز بسیار پررنگ می‌کند. در نتیجه در لایه‌های بعدی نیاز به حمایت انواع نهادهای مالی نظیر شرکت‌های کارگزاری، مشاور سرمایه‌گذاری نیز احساس می‌شود (جی^۲ و همکاران، ۲۰۱۸). در واقع هر نهادی که به طور مستقیم با سرمایه‌گذاران درگیر است، می‌تواند موجب ارتقای دانش حرفه‌ای آن‌ها شود. با توجه به گستردگی بازار سرمایه که اکنون تعداد سرمایه‌گذاران بالقوه در آن نزدیک به ۶۰ میلیون نفر برآورد می‌شود و هم‌چنین با توجه به تنوع ابزارها و نهادها که اکنون ۴۰ ابزار سرمایه‌گذاری رسیده است، به نظر می‌رسد همه ارکان درگیر می‌بایست دست به دست دهند تا سرمایه

1. Bajaj & Kaur
2. Ohaness G

گذاران از حقوق خود آگاه باشند، با اطمینان و سهولت بیشتر معامله کنند و حس اعتماد خود به این بازار را روز به روز بیشتر تقویت کنند (زندى، ۱۳۹۹).

با توجه به این که در سال های اخیر ابزارها و نهادهای مالی جدیدی وارد بازار سرمایه ایران شده است، سازمان بورس و اوراق بهادار برای توسعه ارتباط با علاقمندان فعالیت در بازار سرمایه و فعالان اقتصادی باید با اقدامات نوآورانه و برنامه های مدون با مخاطبان این سازمان ارتباط مستمر داشته باشد (کوزینا و پونیکوار^۱، ۲۰۱۵) و با برنامه ریزی اصولی و هدفمند فعالیت خود در زمینه های توسعه فرهنگ سهامداری از طریق آموزش های عمومی و ارتقاء سواد مالی، فرهنگ سازی سرمایه گذاری در بورس، پاسخگویی به مخاطبان و ذی نفعان بازار سرمایه را گسترش دهد و با سرعت بخشیدن به بهره برداری از « دایره المعارف جامع اینترنتی بازار سرمایه »، کلیه اطلاعات بازار سرمایه و نهادهای زیرمجموعه را به صورت روزآمد در اختیار مخاطبان بازار سرمایه قرار دهد (عبدالرحیمیان و بهاری مقدم، ۱۳۹۷). در راستای فرهنگ سازی گسترده برای توسعه بازار سرمایه در جامعه، آموزش عموم جامعه با قواعد بازار سرمایه، مفاهیم بورس و سرمایه گذاری و ارتقاء سواد مالی آحاد مردم می بایست از اولویت های سازمان بورس باشد تا ضمن پیشگیری از ضرر و زیان سرمایه گذاران آموزش دیده، موفقیت سرمایه گذاران جدید در بازار بورس و سرمایه، تضمینی برای تداوم حضور این افراد در بازار سرمایه باشد (آگاروال^۲ و همکاران، ۲۰۱۵).

سواد مالی در بازار سرمایه ایران

در این راستا هر چند سازمان بورس اوراق بهادار در سال های اخیر برنامه های متعدد و هدفمندی برای ارتقا سواد مالی در سطح جامعه را در دستور کار خود قرار داده است، اما با رشد روزافزون بازار سرمایه و جلب توجه عمومی به بورس، نیاز به فرهنگ سازی مناسب بیش از پیش محسوس است (رسولی و همت فر، ۱۳۹۸). اگر با ارتقا سواد مالی، سرمایه گذاری در بورس افزایش یابد، تولید داخلی در کشور رونق می گیرد و با افزایش تولید در کشور، توسعه اقتصادی اتفاق می افتد. نتایج رشد و توسعه اقتصادی کشور عبارتند از: ۱- افزایش ثروت مردم، ۲- توسعه رفاه افراد جامعه، ۳- فقرزدایی، ۴- ایجاد اشتغال. این عوامل در راستای عدالت اجتماعی هستند و

1. Kozina & Ponikvar

2. Agarwal

اجرای برنامه های رفاهی و توسعه عدالت اجتماعی در کشور و حمایت از شهروندان در برابر بحران های اقتصادی و اجتماعی، امنیت درآمد و امید به آینده برای یکایک افراد جامعه به ویژه اقشار آسیب پذیر، تقویت شده و موجب آرامش درونی و نظم و ثبات اجتماعی می شود. بنابر آنچه گفته شد ضرورت فرهنگ سازی گسترده در جهت توسعه بازار سرمایه و ارتقا سواد مالی در کشور و ورود سرمایه گذاران خرد آموزش دیده به بازارهای مالی بسیار حائز اهمیت است (رسولی و همت فر، ۱۳۹۸).

روش پژوهش

در این تحقیق از روش تحلیل عاملی تأییدی جهت تحلیل نتایج استفاده شده است. از تحلیل عاملی تأییدی^۱ هم در ساخت و رواسازی پرسش نامه و هم در آزمون ساختار عاملی مفروض یک سازه نظری استفاده می شود. در این بخش با استفاده از مدل های اندازه گیری مدل معادلات ساختاری، صحت سنجش سازه ها توسط شاخص های مربوط مورد بررسی قرار می گیرد. به عبارت دیگر با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی مشخص می شود که آیا سؤالات طراحی شده در هر سازه واقعا می تواند سازه مورد نظر را بسنجد. همچنین آیا سؤالات و شاخص های در نظر گرفته شده از روایی لازم برخوردار است یا نه (کارشکی، ۱۳۹۱).

در این مطالعه جهت انجام پژوهش از متغیرهای (تغییر نگرش مالی، تغییر رفتار مالی، ارتقای دانش مالی) که در مجموع، شامل ۴۴ سؤال در طیف پنج گزینه ای لیکرت بودند، استفاده شد. ضرایب استاندارد در مدل تحیل عاملی تأییدی در واقع نشان دهنده ضرایب مسیر یا بارهای عاملی بین متغیرها و سؤالات مربوطه (متغیرهای پنهان و مشاهده پذیر) می باشند. از مدل اندازه گیری ضرایب استاندارد می توان این برداشت را نمود که بین متغیرهای مکنون مربوطه و شاخص های متناظر با آنها، چه میزان همبستگی وجود دارد. در این مدل میزان روابط بین سازه و بعد، بعد و شاخص نشان داده می شود. در صورتی که ضریب رابطه بالاتر از ۰/۴ باشد، می توان گفت سؤالات مورد نظر از قدرت تبیین خوبی برخوردار است.

جامعه آماری پژوهش خبرگان و صاحب نظران و فعالان حوزه بازار سرمایه هستند که تعداد آنها نامشخص است. جهت تعیین حداقل حجم نمونه لازم، از فرمول دوم کوکران برای جامعه نامحدود استفاده گردید:

$$n = \frac{z^2 pq}{d^2}$$

که در آن:

n = حداقل حجم نمونه لازم؛ p = نسبت توزیع صفت در جامعه؛ $z = za/2$ = مقدار به دست آمده از جدول توزیع نرمال استاندارد (در این تحقیق و با در نظر گرفتن مقدار خطای ۰/۰۵، مقدار به دست آمده از جدول توزیع نرمال استاندارد ۱/۹۶ می باشد).

d = خطای پذیرفته شده توسط محقق یا بازه قابل تحمل از برآورد پارامتر مورد نظر (معمولاً در علوم اجتماعی برابر ۰/۰۵ در نظر گرفته می شود). (رفیع پور، ۱۳۹۵).

نکته ای که لازم است در خصوص این فرمول، گفته شود آن است که چنانچه مقدار p در دسترس نباشد، می توان مقدار ۰/۵ را برای آن در نظر گرفت (آذر و مومنی، ۱۳۹۵)، که در این حالت، این فرمول بزرگترین و محافظه کارانه ترین عدد ممکن را به دست خواهد داد، که در این تحقیق نیز عدد ۰/۵ برای آن در نظر گرفته شد. با جایگذاری پارامترها در فرمول مذکور عدد ۳۸۴،۱۶ بدست آمد، بنابراین تعداد ۳۸۵ پرسشنامه طراحی و بین این افراد توزیع شد و مبنای تجزیه و تحلیل قرار گرفت. شایان ذکر است با توجه به عدم دسترسی به همه اعضای جامعه، روش نمونه گیری غیر تصادفی در دسترس استفاده شد. از پرسشنامه های توزیع شده تعداد ۲۴۴ پرسشنامه بصورت کامل بازگشت داده شده است که معیار روش تحقیق قرار گرفته است. با بررسی مبانی نظری و پیشینه تحقیقات انجام شده که مواردی از آنها در ادبیات موضوع و پیشینه پژوهش بیان شد شاخص های پرسشنامه به شرح زیر استخراج شد:

جدول ۱. شاخص ها و منبع آن

ردیف	شاخص های ارتقای سواد مالی افراد در بازار سرمایه	منبع شاخص
۱	آشنایی با میزان کارمزد معاملات در بازارهای مالی	تفتیان و همکاران (۱۴۰۰)
۲	آشنایی با میزان پوشش خسارت بیمه های خودرو .	میرمحمدی و شاکریان (۱۳۹۸)
۳	آشنایی با تأمین اجتماعی.	رسولی و همت فر (۱۳۹۸)
۴	شناخت اهداف مورد نظر.	میرمحمدی و شاکریان (۱۳۹۸)
۵	آشنایی با قوانین و مقررات بیمه و مالیات.	میرمحمدی و شاکریان (۱۳۹۸)
۶	آشنایی با تأثیر هدفمندی یارانه ها بر نحوه پس انداز.	رسولی و همت فر (۱۳۹۸)
۷	آشنایی با استفاده از بدهی جهت حفظ قدرت خرید در شرایط تورمی.	یگانه و همکاران (۱۳۹۸)
۸	شناخت منابع عمده درآمدی در سنین مختلف.	یگانه و همکاران (۱۳۹۸)
۹	شناخت تأثیر سرمایه گذاری در سنین مختلف.	عبدالرحیمیان و مقدم (۱۳۹۷)
۱۰	آشنایی با راهکارها و روش های کاهش ریسک در هنگام سرمایه گذاری وب در بورس.	زندى (۱۳۹۹)
۱۱	آشنایی با محاسبه سود و زیان سرمایه گذاری در سهام شرکت ها.	میرمحمدی و شاکریان (۱۳۹۸)
۱۲	آشنایی با سرمایه گذاری کوتاه مدت کم ریسک.	جلیلود و نوروزآباد (۱۳۹۷)
۱۳	شناخت تأثیر تورم بر انتخاب نرخ بازده مورد نیاز.	جلیلود و نوروزآباد (۱۳۹۷)
۱۴	شناخت تأثیر بهره مرکب بر مانده پس انداز.	رسولی و همت فر (۱۳۹۸)
۱۵	آشنایی با سرمایه گذاری در بورس برای افراد فاقد دانش لازم.	عسگرزاده و قانع (۱۴۰۰)
۱۶	آشنایی با سپرده گذاری بلندمدت وجوه مازاد.	رسولی و همت فر (۱۳۹۸)
۱۷	درک معافیت پایه مالیاتی دستمزد.	عسگرزاده و قانع (۱۴۰۰)
۱۸	شناخت کارت های اعتباری.	سابعی و همکاران (۱۳۹۹)
۱۹	آشنایی با مشکلات محتوایی.	سابعی و همکاران (۱۳۹۹)
۲۰	آشنا نمودن معلم ها با دانش اقتصادی لازم.	روب و شارپ (۲۰۲۱)
۲۱	آموزش سواد مالی در مدارس.	میرمحمدی و شاکریان (۱۳۹۸)
۲۲	آشنایی با روش و نحوه اخذ مالیات بر ارزش افزوده.	زندى (۱۳۹۹)
۲۳	آشنایی با پس انداز کوتاه مدت وجوه.	رسولی و همت فر (۱۳۹۸)
۲۴	شناخت تأثیر تورم بر اقشار مختلف جامعه.	زندى (۱۳۹۹)

ردیف	شاخص های ارتقای سواد مالی افراد در بازار سرمایه	منبع شاخص
۲۵	شناخت تأثیر سرمایه گذاری در سنین مختلف.	عبدالرحیمیان و مقدم (۱۳۹۷)
۲۶	راهکار کاهش ریسک در هنگام سرمایه گذاری در بورس.	هانکوک و همکاران (۲۰۲۰)
۲۷	شناخت منابع عمده درآمدی در سنین مختلف.	سابعی و همکاران (۱۳۹۹)
۲۸	آشنایی با مالیات حقوق و دستمزد.	عسگرزاده و قانع (۱۴۰۰)
۲۹	شناخت تأثیر تورم بر قدرت خرید.	عسگرزاده و قانع (۱۴۰۰)
۳۰	شناخت تأثیر بدحسابی بر سابقه اعتباری افراد.	روب و شارپ (۲۰۲۱)
۳۱	آشنایی با درک موفقیت مناسب استغراض پول.	روب و شارپ (۲۰۲۱)
۳۲	شناخت توانایی دستگاه های خودپرداز.	لیکونیلی و هاپیت (۲۰۱۹)
۳۳	آشنا نمودن فرزندان با استفاده از پوشش بیمه ای والدین.	شمس زاده و فراهانی (۱۳۹۴)
۳۴	شناخت پوشش انواع بیمه های درمانی و خدماتی مناسب برای شغل های متفاوت.	هسیو و تسای (۲۰۱۸)
۳۵	آشنایی با انتخاب بهترین راهکار بین اجاره یا رهن منزل.	میرمحمدی و شاکریان (۱۳۹۸)
۳۶	شناخت نقش تاریخ در چک های مدت دار.	لیکونیلی و هاپیت (۲۰۱۹)
۳۷	شناخت خدمات نوین بانکداری الکترونیکی.	لیکونیلی و هاپیت (۲۰۱۹)
۳۸	آشنایی با نقش مانده جیرانی در افزایش هزینه بهره وام.	عبدالرحیمیان و مقدم (۱۳۹۷)
۳۹	آشنایی با ویژگی های ضامن وام درصدی از سرمایه که باید مصروف وسیله نقلیه شود.	عبدالرحیمیان و مقدم (۱۳۹۷)
۴۰	آشنایی با چک از منظر قانون تجارت.	عبدالرحیمیان و مقدم (۱۳۹۷)
۴۱	آشنایی با بیمه ها به عنوان بخشی از سوابق بازنشستگی.	عبدالرحیمیان و مقدم (۱۳۹۷)
۴۲	شناخت مبنای حقوق دوران بازنشستگی افراد تحت پوشش سازمان تأمین اجتماعی.	هسیو و تسای (۲۰۱۸)
۴۳	آشنایی با مسئولیت افراد در ضمانت وام دیگران.	شمس زاده و فراهانی (۱۳۹۴)
۴۴	درک گزینه هایی که بدون محدودیت قابلیت خرج کردن دارند.	شمس زاده و فراهانی (۱۳۹۴)

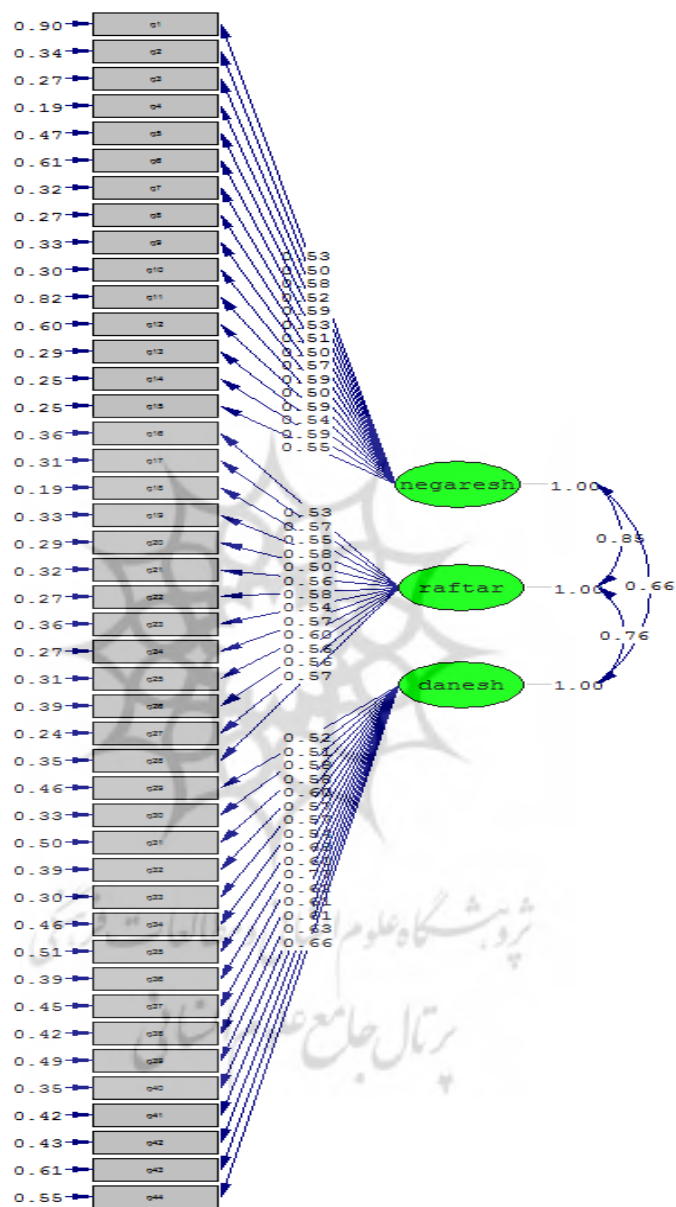
یافته‌های تحقیق

در این مطالعه جهت انجام پژوهش از متغیرهای (تغییر نگرش مالی، تغییر رفتار مالی، ارتقای دانش مالی) که در مجموع، شامل ۴۴ سؤال در طیف پنج گزینه‌ای لیکرت بودند، استفاده شد. همانطور که از نتایج حاصل نشان داده شده در شکل (۱) مشخص است تمامی شاخص‌های در نظر گرفته شده برای کلیه سؤالات مربوط به متغیرهای مدل دارای بارعاملی بالای ۰/۴ می‌باشد. نتایج جدول ۲- نشان می‌دهد که ۰/۷۴ از نمونه آماری تحقیق مرد و ۰/۲۶ از آنها زن، بیشتر آنها (۴۷٪) در دامنه سنی ۴۰-۵۰ سال و کمترین آنها (۹٪) در دامنه سنی کمتر از ۳۰ سال، بیشتر آنها (۹۶٪) متأهل، بیشتر آنها (۵۶٪) دارای مدرک کارشناسی ارشد و کمترین آنها (۲٪) دارای مدرک فوق دیپلم و کمتر هستند.

جدول ۲. ویژگی‌های جمعیت شناختی نمونه آماری تحقیق

ویژگی‌های پاسخ دهندگان	فراوانی	درصد فراوانی
جنسیت	مرد	۱۷۸
	زن	۶۷
سن	کمتر از ۳۰ سال	۲۲
	۳۰ تا ۴۰ سال	۶۱
	۴۰ تا ۵۰ سال	۱۱۱
	۵۰ سال به بالا	۴۲
وضعیت تأهل	مجرد	۲۲
	متأهل	۲۲۲
تحصیلات	فوق دیپلم و پایین تر	۷
	کارشناسی	۹۳
	کارشناسی ارشد	۱۳۲
	دکتری	۱۲

همانطور که در جدول ۳ ملاحظه می‌شود، میانگین متغیرهای تغییر نگرش مالی، تغییر رفتار مالی، ارتقای دانش مالی بالاتراز میانگین نظری (۳) می‌باشد و می‌توان گفت از سطح بالایی برخوردار هستند. انحراف معیار آنها از میانگین نیز به ترتیب برابر با ۰/۴۷، ۰/۴۸ و ۰/۵۷ می‌باشد.



Chi-Square=148.50, df=899, P-value=0.00320, RMSEA=0.010

شکل ۱. تحلیل عامل تاییدی پرسشنامه در حالت استاندارد

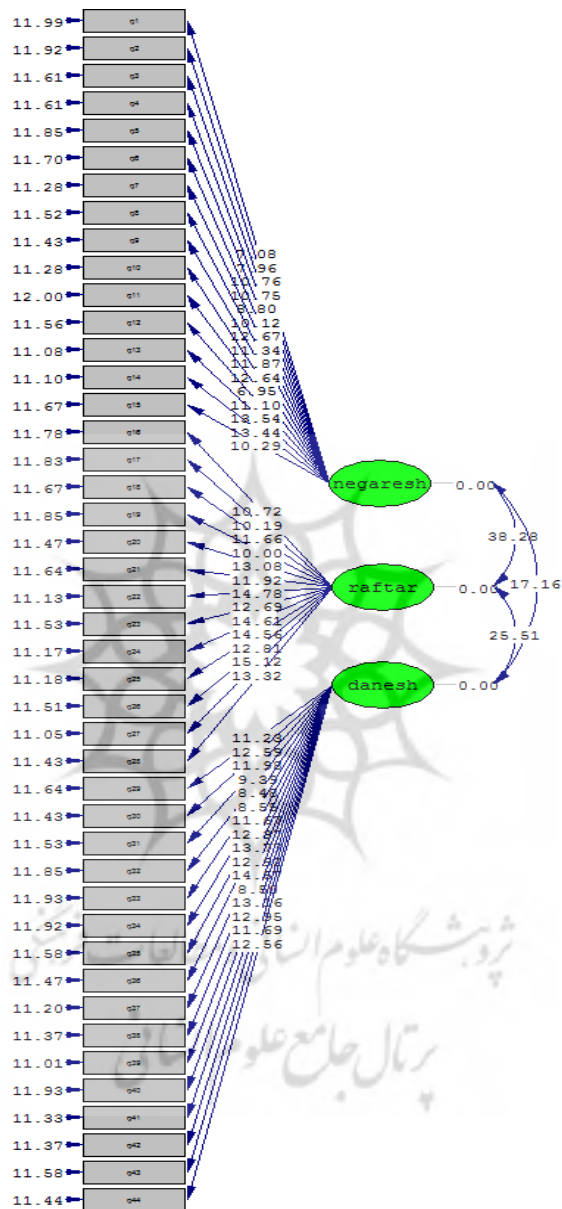
جدول ۳. توصیف داده ها مربوط به متغیرهای تحقیق

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار
تغییر نگرش مالی	۲۴۴	۴/۳۱	۰/۴۷
تغییر رفتار مالی	۲۴۸	۴/۲۴	۰/۴۸
ارتقای دانش مالی	۲۴۴	۴/۱۶	۰/۵۷

مدل تخمین استاندارد بدین جهت ارائه می شود که با داشتن ضرایب همبستگی دوتایی امکان مقایسه بین شاخص ها و بین ابعاد را فراهم می گردد؛ اما در باب معناداری این ضرایب، نمی توان براساس بزرگی یا کوچکی آن ها تصمیم گیری کرد، بلکه باید از شاخص تی جهت تعیین معناداری این ضرایب مسیر استفاده نمود. اعداد معناداری به این دلیل ارائه می شود که بدانیم آیا رابطه بین سازه و بعد و رابطه بین بعد و شاخص معنادار است یا خیر. اعداد معناداری یا همان T-value که در شکل (۲) نمایش داده شده است میزان معنادار بودن هر یک از پارامترها را نشان می دهد و چنانچه مقدار آن بزرگتر از قدر مطلق عدد ۱,۹۶ باشد، پارامترهای مدل معنادار هستند. همانطور که در جدول زیر مشخص است تمام اعداد معناداری حاضر بزرگتر از ۱,۹۶ بوده، بنابراین تمامی بارهای عاملی و ضرایب مسیر معنادار می باشند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فصلنامه پژوهش های راهبردی بودجه و مالی



Chi-Square=148.50, df=899, P-value=0.00320, RMSEA=0.010

شکل ۲. تحلیل عامل تاییدی پرسشنامه در حالت معناداری

شاخص‌های برازش مدل اندازه‌گیری پرسشنامه

قبل از استفاده از نتایج به دست آمده از تحلیل عاملی تاییدی باید از مناسب بودن و برازش مطلوب مدل اطمینان حاصل نمود (اسفیدانی و محسنین، ۱۳۹۲)؛ به عبارت دیگر برای رد یا پذیرش این مطلب که مدل تدوین شده توسط محقق بر مبنای چارچوب نظری و پیشینه تئوریک آن تا چه میزان با واقعیت و داده‌های گردآوری شده انطباق دارد معیارهایی تحت عنوان شاخصهای برازش مدل مد نظر قرار می‌گیرد (قاسمی، ۱۳۸۸). مدل حاضر در تحلیل عاملی تاییدی بر اساس مهم‌ترین شاخص‌های برازش مورد ارزیابی قرار گرفت و نتیجه حاصل که در جدول (۴) آورده شده است.

جدول ۴. بررسی شاخص‌های برازش

شاخص‌های برازش	مقادیر مناسب	مقادیر عالی	مقادیر پژوهش	نتیجه برازش
χ^2/df	تقسیم کای-مربع بر درجه آزادی	≤ 3	≤ 2	۱/۸۲ برازش مناسب
Root Mean Squared Error of Approximation (RMSEA)	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد	$\leq 0/1$	$\leq 0/08$	۰/۰۱۰ برازش مناسب
Normed Fit Index (NFI)	شاخص برازش نرم	$\geq 0/9$	$\geq 0/95$	۰/۹۰ برازش مناسب
Non-Normed Fit Index (NNFI)	شاخص برازش غیر نرم	$\geq 0/9$	$\geq 0/95$	۰/۹۱ برازش مناسب
Comparative Fit Index (CFI)	شاخص برازش مقایسه‌ای	$\geq 0/9$	$\geq 0/95$	۰/۹۴ برازش مناسب
Incremental Fit Index (IFI)	شاخص برازش افزایشی	$\geq 0/9$	$\geq 0/95$	۰/۹۳ برازش مناسب
Goodness of Fit Index (GFI)	شاخص نیکویی برازش	$\geq 0/9$	$\geq 0/95$	۰/۹۶ برازش مناسب
Adjusted Goodness of Fit Index (AGFI)	شاخص نیکویی برازش تعدیل شده	$\geq 0/8$	$\geq 0/9$	۰/۹۲ برازش مناسب

همان طور که از مقادیر ارائه شده در جدول مشخص است تمامی معیارهای کلی برآزش تحلیل عاملی تاییدی، حاکی از برآزش کلی الگوی پیشنهادی با داده ها است و نشان دهنده برآزش مناسب مدل اندازه گیری پرسشنامه می باشد.

با توجه به نتایج، تمامی بارهای عاملی به دست آمده دارای مقادیر بالاتر از $0/3$ (کلاین، 1380) می باشد که نشان دهنده بارهای عاملی بالا و مطلوب می باشد. از طرف دیگر تمامی اعداد معناداری پارامترهای مدل از عدد $1/96$ بزرگتر است. در مجموع با در نظر گرفتن بالا بودن میزان بارهای عاملی و معنی دار بودن آن ها به همراه برآزش مناسب مدل می توان روایی مدل اندازه گیری متغیرهای پژوهش را نتیجه گرفت.

سوال اول: آیا تغییر نگرش مالی از راهکارهای ارتقا سواد مالی در بازار سرمایه است؟

جدول ۵. آزمون t تک نمونه برای تغییر نگرش مالی

متغیر	تعداد نمونه	میانگین بدست آمده	میانگین ثابت	درجه آزادی	آماره تی	معناداری
تغییر نگرش مالی	۲۴۴	۴/۳۱	۳	۲۴۳	۴۳/۶۰	۰/۰۰۰

بر اساس نتایج جدول ۵ چون سطح معناداری داده ها کمتر از $0/05$ است، بنابراین بین میانگین بدست آمده و میانگین ثابت تفاوت معناداری وجود دارد و از آنجایی که میانگین بدست آمده برای تغییر نگرش مالی ($4/31$)، از میانگین ثابت (3) بیشتر است، بنابراین تغییر نگرش مالی از راهکارهای ارتقا سواد مالی در بازار سرمایه جمهوری اسلامی ایران است.

سوال دوم: آیا تغییر رفتار مالی از راهکارهای ارتقا سواد مالی در بازار سرمایه جمهوری

اسلامی ایران است؟

جدول ۶. آزمون t تک نمونه برای تغییر رفتار مالی

متغیر	تعداد نمونه	میانگین بدست آمده	میانگین ثابت	درجه آزادی	آماره تی	معناداری
تغییر رفتار مالی	۲۴۴	۴/۲۴	۳	۲۴۳	۴۰/۲۴	۰/۰۰۰

بر اساس نتایج جدول ۶ چون سطح معناداری داده ها کمتر از ۰/۰۵ است، بنابراین بین میانگین بدست آمده و میانگین ثابت تفاوت معناداری وجود دارد و از آنجایی که میانگین بدست آمده برای تغییر رفتار مالی (۴/۲۴)، از میانگین ثابت (۳) بیشتر است، بنابراین تغییر رفتار مالی از راهکارهای ارتقا سواد مالی در بازار سرمایه جمهوری اسلامی ایران است.

سوال سوم: آیا ارتقای دانش مالی از راهکارهای ارتقا سواد مالی در بازار سرمایه جمهوری اسلامی ایران است؟

جدول ۷. آزمون t تک نمونه برای ارتقای دانش مالی

متغیر	تعداد نمونه	میانگین بدست آمده	میانگین ثابت	درجه آزادی	آماره تی	معناداری
ارتقای دانش مالی	۲۴۴	۴/۱۶	۳	۲۴۳	۳۱/۸۶	۰/۰۰۰

بر اساس نتایج جدول ۷ چون سطح معناداری داده ها کمتر از ۰/۰۵ است، بنابراین بین میانگین بدست آمده و میانگین ثابت تفاوت معناداری وجود دارد و از آنجایی که میانگین بدست آمده برای ارتقای دانش مالی (۴/۱۶)، از میانگین ثابت (۳) بیشتر است، بنابراین ارتقای دانش مالی از راهکارهای ارتقا سواد مالی در بازار سرمایه جمهوری اسلامی ایران است.

سوال چهارم: آیا بین اولویت بندی راهکارهای ارتقا سواد مالی در بازار سرمایه جمهوری اسلامی ایران تفاوت معناداری وجود دارد؟

جدول ۸. رتبه بندی راهکارهای ارتقا سواد مالی در آزمون فریدمن

رتبه	میانگین رتبه	مولفه
۱	۲/۲۴	تغییر نگرش مالی
۲	۱/۹۹	تغییر رفتار مالی
۳	۱/۷۷	ارتقای دانش مالی
	۳۲/۲۰	نخی دو
	۰/۰۰۰	معناداری

نتایج جدول ۸ نشان می دهد که سه متغیر تغییر نگرش مالی، تغییر رفتار مالی، ارتقای دانش مالی به ترتیب دارای میانگین رتبه بیشتری هستند و به عنوان راهکارهای ارتقا سواد مالی در بازار سرمایه هستند.

نتیجه گیری

امروزه اغلب افراد در بازارهای مالی به دنبال فرصت های جدید برای سرمایه گذاری و افزایش دارایی های خود هستند. واضح است برای دسترسی به این بازارهای مالی و استفاده از فرصت های موجود برای سرمایه گذاری و مشارکت در این بازارها، به سطحی از سواد مالی نیاز است. تحقیقاتی که در زمینه سواد مالی و تاثیر آن بر زندگی مالی فرد انجام شده است، ثابت کرده اند تفاوت های کوچک در دانش مالی می تواند تفاوت چشمگیری بر ثروت افراد داشته باشد. زیرا افراد دارای سواد مالی به احتمال بیشتری به فکر برنامه ریزی مالی برای دوران بازنشستگی و استفاده از دارایی های فعلی خود برای سرمایه گذاری در بازار سهام هستند و قدرت تحلیل بالاتری نسبت به مسائل اقتصادی دارند. بنابراین هدف اصلی پژوهش حاضر شناسایی و اولویت بندی راهکارهای ارتقا سواد مالی در بازار سرمایه جمهوری اسلامی ایران می باشد. جامعه آماری پژوهش خبرگان و صاحب نظران و فعالان حوزه بازار سرمایه هستند. براساس نمونه گیری تصادفی تعداد ۲۴۴ نفر به صورت در دسترس به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شدند. پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر گردآوری داده ها و اطلاعات و روش تجزیه و تحلیل یک تحقیق اکتشافی و غیر آزمایشی می باشد و بر حسب نحوه اجراء از نوع پیمایشی می باشد، زیرا داده های پژوهش از طریق پرسشنامه جمع آوری شده اند. به منظور توصیف یافته ها، از جداول و نمودارهای فراوانی استفاده شد. ضمن این که به منظور توصیف بهتر داده ها از شاخص های مرکزی و همچنین شاخص های پراکندگی بهره گرفته شد. جهت آزمون فرضیه ها از آزمون تی استودنت و فریدمن به کمک نرم افزار (SPSS) استفاده شده است.

نتایج به دست آمده در این پژوهش نشان می دهد بر اساس نتایج تحقیق، بین میانگین بدست آمده و میانگین ثابت تفاوت معناداری وجود دارد و از آنجایی که میانگین بدست آمده برای متغیرهای تغییر نگرش مالی (۴/۳۱)، تغییر رفتار مالی (۴/۲۴)، ارتقای دانش مالی (۴/۱۶)، از

میانگین ثابت (۳) بیشتر است، بنابراین تغییر نگرش مالی، تغییر رفتار مالی، ارتقای دانش مالی از راهکارهای ارتقا سواد مالی در بازار سرمایه جمهوری اسلامی ایران است. همچنین بر اساس آزمون فریدمن، سه متغیر تغییر نگرش مالی (۲/۲۴)، تغییر رفتار مالی (۱/۹۹)، ارتقای دانش مالی (۱/۷۷) به ترتیب دارای میانگین رتبه بیشتری هستند و به عنوان مهمترین راهکارهای ارتقا سواد مالی در بازار سرمایه جمهوری اسلامی ایران هستند. نتایج این بخش از تحقیق با نتیجه تحقیقات روب و شارپ (۲۰۲۱)، لیکونیلی و هایپت (۲۰۱۹)، عسگرزاده و قانع (۱۴۰۰)، میرمحمدی و شاکریان (۱۳۹۸)، هم جهت و همسو می باشد. در متغیر تغییر نگرش مالی به ترتیب مولفه های شناخت اهداف مورد نظر، آشنایی با راهکارها و روش های کاهش ریسک در هنگام سرمایه گذاری وب در بورس.

آشنایی با محاسبه سود و زیان سرمایه گذاری در سهام شرکت ها، آشنایی با سرمایه گذاری کوتاه مدت کم ریسک، شناخت تأثیر تورم بر انتخاب نرخ بازده مورد نیاز، آشنایی با سرمایه گذاری در بورس برای افراد فاقد دانش لازم دارای تأثیر بیشتری روی بازار سرمایه هستند. در متغیر تغییر رفتار مالی به ترتیب مولفه های آشنایی با سپرده گذاری بلندمدت و جوه مازاد، آموزش سواد مالی در مدارس، شناخت تأثیر سرمایه گذاری در سنین مختلف و راهکار کاهش ریسک در هنگام سرمایه گذاری در بورس دارای تأثیر بیشتری روی بازار سرمایه هستند. در متغیر ارتقای دانش مالی به ترتیب مولفه های شناخت تأثیر تورم بر قدرت خرید، شناخت تأثیر بدحسابی بر سابقه اعتباری افراد، آشنایی با درک موفقیت مناسب استغراض پول، شناخت توانایی دستگاه های خودپرداز، شناخت خدمات نوین بانکداری الکترونیکی و آشنایی با نقش مانده جیرانی در افزایش هزینه بهره وام دارای تأثیر بیشتری روی بازار سرمایه هستند.

در نهایت بر اساس یافته های تحقیق پیشنهاد می شود که مدیران بازار سرمایه توجه بیشتر به تغییر نگرش مالی و تغییر رفتار مالی داشته باشند. برای بهبود تغییر نگرش مالی توجه بیشتری به شناخت اهداف مورد نظر، آشنایی با میزان پوشش خسارت بیمه های خودرو، شناخت تأثیر سرمایه گذاری در سنین مختلف، آشنایی با سرمایه گذاری در بورس برای افراد فاقد دانش لازم داشته باشند. برای بهبود تغییر رفتار مالی توجه بیشتری به شناخت کارت های اعتباری، آموزش سواد مالی در مدارس، آشنایی با روش و نحوه اخذ مالیات بر ارزش افزوده، آشنایی با مشکلات

محتوایی، درک معافیت پایه مالیاتی دستمزد داشته باشند. برای بهبود ارتقای دانش مالی توجه بیشتری به شناخت توانایی دستگاه های خودپرداز، آشنا نمودن فرزندان با استفاده از پوشش بیمه ای والدین، شناخت پوشش انواع بیمه های درمانی و خدماتی مناسب برای شغل های متفاوت، شناخت تأثیر تورم بر قدرت خرید، شناخت تأثیر بدحسابی بر سابقه اعتباری افراد داشته باشند.



فهرست منابع

- تفتیان، اکرم و شفیعی شورغین، مرضیه (۱۴۰۰) اهمیت سواد مالی در چارچوب رویکرد قابلیت، دومین همایش ملی مدیریت نوین و کسب و کارهای نوپا، شیراز.
- جلیلونند، ابوالحسن (۱۳۹۷) تعاملات سواد مالی، احساسات سرمایه‌گذاران، ادراک ریسک و تمایل به سرمایه‌گذاری شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه علمی پژوهشی دانش سرمایه گذاری سال ۷. شماره ۲۸.
- رسولی، امید و همت فر، محمود (۱۳۹۸) بررسی تاثیر سواد مالی، نگرش نسبت به ریسک و انگیزه پس انداز در کاهش ضعف سرمایه‌گذاران در صندوق های سرمایه گذاری. چهارمین کنفرانس ملی در مدیریت، حسابداری و اقتصاد با تاکید بر بازاریابی منطقه ای و جهانی، تهران.
- زندى، اعظم (۱۳۹۹) تأثیر سواد مالی بر بازده پرتفوی سرمایه‌گذاران حقیقی، دومین کنفرانس حسابداری و مدیریت.
- سابعی، فرح السادات و ناصرآبادی، دلیر و ضیایی، میثم (۱۴۰۰) تأثیر هوش مالی و سواد اطلاعاتی بر عملکرد حسابرسان در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، اولین کنفرانس بین المللی چالشها و راهکارهای نوین در مهندسی صنایع و مدیریت و حسابداری، ساری.
- شعبانی، لیلا و جعفری سرشت، داود (۱۳۹۴) سواد مالی و رفتار سرمایه‌گذاران پنجمین کنفرانس ملی و سومین کنفرانس بین المللی حسابداری و مدیریت، تهران.
- شمس زاده، باقر و داود آبادی فراهانی، حسن (۱۳۹۴) سواد مالی و حضور در بازار سهام، سومین کنفرانس بین المللی حسابداری و مدیریت، تهران.
- عبدالرحیمیان، محمد حسین و بهاری مقدم، فرزاد (۱۳۹۷) بررسی سواد مالی و رویکردهای ارتقا آن برای سرمایه‌گذاران در بازارهای مالی. دومین کنفرانس بین المللی رویکردهای علمی پژوهشی در علوم انسانی.
- عسگرزاده، غلامرضا و قانع، محمد (۱۳۹۹) سواد مالی و تاثیر آن بر تصمیم سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار، پنجمین همایش بین المللی مدیریت، حسابداری، اقتصاد و علوم اجتماعی، همدان.
- میرمحمدی صدرآبادی، محمد و شاکریان، حامد (۱۳۹۸) بررسی نقش سواد مالی و دانش مالی در تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران جهت سرمایه‌گذاری.
- یگانه، زهرا و زارعی، سمیرا و هنرمندی، زهرا. (۱۳۹۸) بررسی رابطه میان‌گیری خودکارآمدی مالی در نگرش مالی، مشارکت مالی و سواد مالی حسابداران، چهارمین کنفرانس ملی در مدیریت کسب و کار و بازرگانی، تهران.
- Agarwal, S., Amromin, G., Ben-David, I., Chomsisengphet, S., & Evanoff, D. D. (2015). Financial literacy and financial planning: Evidence from India. *Journal of Housing Economics*, 27, 4-21.

- Bajaj, I., & Kaur, M. (2021). Validating Financial Knowledge Scale Using Item Response Theory. *Vision*, 09722629211001994.
- Fessler, P., Silgoner, M., & Weber, R. (2020). Financial knowledge, attitude and behavior: evidence from the Austrian Survey of Financial Literacy. *Empirica*, 47(4), 929-947.
- Hancock, A. M., Jorgensen, B. L., & Swanson, M. S. (2020). College students and credit card use: The role of parents, work experience, financial knowledge, and credit card attitudes. *Journal of family and economic issues*, 34(4), 369-381.
- Hsiao, Y. J., & Tsai, W. C. (2018). Financial literacy and participation in the derivatives markets. *Journal of Banking & finance*, 88, 15-29.
- Kaiser, T., Lusardi, A., Menkhoff, L., & Urban, C. (2021). Financial education affects financial knowledge and downstream behaviors. *Journal of Financial Economics*.
- Kozina, F. L; Ponikvar, N. (2015). Financial literacy of first-year university students: The role of education, *International Journal of Management, Knowledge and Learning*, 4 (2), 241-255.
- Nicolini, G., & Haupt, M. (2019). The assessment of financial literacy: New evidence from Europe. *International Journal of Financial Studies*, 7(3), 54.
- Ohaness G. P. Kevin J. Stephen B. Robert K. (2018). Financial Literacy and Behavioral Biases among Traditional Age College Students. *Financial Education*. 45: 163-181.
- Riitsalu, L., & Murakas, R. (2018). Subjective financial knowledge, prudent behaviour and income: The predictors of financial well-being in Estonia. *International Journal of Bank Marketing*.
- Robb, C. A., & Sharpe, D. L. (2021). Effect of personal financial knowledge on college students' credit card behavior. *Journal of Financial Counseling and Planning*, 20(1).
- Shen, C. H., Lin, S. J., Tang, D. P., & Hsiao, Y. J. (2016). The relationship between financial disputes and financial literacy. *Pacific-Basin finance journal*, 36, 46-65.
- Tang, N., & Baker, A. (2016). Self-esteem, financial knowledge and financial behavior. *Journal of Economic Psychology*, 54, 164-176.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی